

Theological and Hadith-Based Critique of the Doctrine of Kasb A Comparative Study of Māturīdī and Ash‘arite Views in the Thought of ‘Allāma al-Ḥillī

Hossein Rezaee ^{a*}

^a PhD candidate, Institute of Religious Studies and University, Qom, Iran

KEYWORDS

Doctrine of Kasb,
Māturīdiyya,
Ash‘arites, hadith and
theological sources,
‘Allāma al-Ḥillī

Received: 14 April 2025;

Accepted: 13 May 2025

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/thr.2025.2057369.1097

ABSTRACT

Among the fundamental issues in Islamic philosophy and theology is the question of the creation of human acts and the extent of human involvement in their own deeds. The Ash‘arites maintain that human voluntary actions are created by God, and thus human beings are not the true agents of their acts. Consequently, God is regarded as the agent of all human actions—whether faith or disbelief, good or evil, virtue or vice, obedience or sin. Within this school, two positions emerged: figures such as Fakhr al-Dīn al-Rāzī adopted the theory of determinism (*jabr*), while others, including Abū al-Ḥasan al-Ash‘arī, embraced the doctrine of acquisition (*kasb*). In contrast, within the Māturīdī school, Abū Maṣṣūr al-Māturīdī proposed an intermediate view between the Imāmī (Shī‘a) and Ash‘arite positions. ‘Allāma al-Ḥillī, representing the Imāmī perspective, opposed both the Ash‘arite and Māturīdī views. He argued that God does not punish or reproach human beings for His own acts; rather, it is the human act itself that merits reward or punishment. This position is grounded in teachings derived from both Shī‘a and Sunni textual and narrational sources, indicating that theological positions have a hadith-based foundation. The findings of this study show that, according to ‘Allāma al-Ḥillī, acceptance of the doctrine of *kasb* ultimately entails a hidden form of determinism. For if actions are attributed solely to God, human responsibility for their deeds becomes meaningless. Therefore, in his view, the creation of acts is based on a combination of divine power and genuine human free will. This perspective both safeguards divine justice and renders human responsibility intelligible. Accordingly, human power and choice in performing actions are real. This research employs a descriptive-analytical approach and relies on documentary-library methods to collect, analyze, and critique information based on the opinions and reasoning of ‘Allāma al-Ḥillī.

* Corresponding author.

E-mail address: rezayimohabbat@gmail.com

©Author





تحلیل و نقد نظریه «کسب» در حدیث و کلام مطالعه موردی دیدگاه ماتریدیه و اشاعره پیرامون «کسب» توسط علامه حلی (ره)

حسین رضایی^{الف}

^{الف} دکتری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، rezayimohabbat@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
نظریه کسب، ماتریدیه، اشاعره، مستندات حدیثی و کلامی، علامه حلی (ره)	از مسائل بنیادی در عرصه فلسفه اسلامی و الهیات، مسئله خلق افعال و میزان دخالت بنده در اعمال خویش است. اشاعره معتقدند افعال اختیاری انسان به واسطه خداوند ایجاد می‌شود و بندگان فاعل افعال خود نیستند در نتیجه خداوند فاعل تمامی افعال بشری اعم از ایمان و کفر، حسن و قبح، خیر و شر، طاعت و معصیت است؛ بنابراین این فرقه، به دو دیدگاه معتقد شدند. گروهی مانند فخر رازی به نظریه "جبر" و عده‌ای مانند ابوالحسن اشعری دیدگاه "کسب" را انتخاب کرده‌اند؛ و در مذهب ماتریدیه؛ ابومنصور ماتریدی به دیدگاهی بینابین، میان امامیه و اشاعره معتقد شد. اما علامه حلی به عنوان نماینده امامیه، برخلاف اشاعره و ماتریدیه معتقد است که حق تعالی بندگان را به سبب فعل خود، عقاب و سرزنش نمی‌کند بلکه فعل انسان است که مستحق پاداش یا عقاب می‌گردد. این دیدگاه، مبتنی بر آموزه‌هایی است که از فحوای منابع و مستندات روایی شیعه و اهل سنت استخراج شده است. از این رو، دیدگاه متکلمان، خاستگاه حدیثی و کلامی دارد. دستاورد تحقیق، حاکی از آن است که علامه معتقدند پذیرش نظریه کسب، منجر به پذیرش نوعی جبر پنهان می‌شود، چراکه اگر افعال، تنها به خدا نسبت داده شود، مسئولیت انسان در برابر اعمالش بی معنا خواهد شد. پس بر اساس نظر علامه، خلق افعال بر اساس ترکیبی از قدرت الهی و اختیار حقیقی انسان است، این دیدگاه هم عدالت الهی را تأمین می‌کند و هم مسئولیت انسان را توجیه‌پذیر می‌سازد. از این رو، قدرت و اختیار انسان در انجام افعال، امری واقعی است. این اثر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به صورت اسنادی-کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و تجزیه و تحلیل و نقد در آن بر مبنای نظر و تحلیل علامه حلی (ره) است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

مقاله علمی پژوهشی

۱. بیان مسئله

"نظریه کسب"، از جمله مسائلی بود که میان اشاعره، معتزله و امامیه، جدال‌های بسیاری را به وجود آورد؛ و هرکدام از مکاتب بابی را در آثار خود با نام "خلق افعال" قراردادند. از این رو، متفکران اسلامی درباره سهم انسان در انجام افعال خود، دیدگاه‌های متفاوتی با یکدیگر دارند. اشاعره از اهل سنت که دارای نظرات متعددی هستند، هرکدام با توجه به اصولی و دریافتی که از منابع کلامی مختص به خود و مجموع آیات و روایات دارند، دارای تئوری و اندیشه‌های متفاوتی می‌باشند.

از این رو، در بحث توحید افعالی و رابطه‌ای انسان نسبت به افعال خود، برخی به دیدگاه خلق افعال رو آورده‌اند، به گونه‌ای که افعال اختیاری انسان فقط با قدرت خداوند واقع می‌گردد. به همین سبب، به "جبرگرایی" معتقد شده‌اند. برخی دیگر قائل به نظریه "کسب" شده‌اند این گروه که نوعاً برخاسته از فرقه اشاعره هستند برای رهایی از جبر، به نظریه

کسب معتقد شده‌اند. عده‌ای دیگر همچون ماتریدیه از دیدگاه جبر فاصله گرفته‌اند و به اختیار و آزادی شعور انسان نظر داده‌اند. مقاله حاضر، با طرح سؤال اصلی که دیدگاه ماتریدیه و اشاعره در باب نظریه «کسب» از دیدگاه علامه حلی چیست به نقد و پاسخ این مسئله از منظر این دو فرقه می‌پردازد و با جستجو در منابع حدیثی و بهره‌گیری از دلایل کلامی به انگیزه و هدف اشاعره (در مسئله جبر و نظریه کسب) اشاره نموده و به مهم‌ترین اصول و براهین آنان در این مسئله پرداخته است و اهتمام دارد ضمن بیان استدلال‌ات کلامی و حدیثی، این دو فرقه کلامی را در بوته نقد قرار داده و تحلیل نماید.

۲. پیشینه تحقیق

هرچند درباره نظریه «کسب و خلق افعال» آثار متعددی در قالب کتاب، پایان‌نامه یا مقاله کار شده است. در اینجا نیز به‌صورت فهرست‌وار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. ۱. مقاله «بررسی روایات خلق افعال انسان در جوامع حدیثی شیعه»؛ از ابوالفضل خوش‌منش و محمود واعظی، در این مقاله بحث خلق افعال با محوریت مباحث شیعی صورت گرفته و به‌صورت تطبیقی با جوامع حدیثی اهل سنت بررسی نگریده است؛ ۲. مقاله «سهم انسان در ایجاد افعال» از یزدان محمدی، این مقاله صرفاً به نظریه کسب و مسائل پیرامون آن پرداخته است؛ ۳. «بررسی مسئله اختیار و خلق افعال» از آریا یوسفی در این مقاله دیدگاه امامیه موردبررسی دقیق قرار نگرفته است؛ ۴. «خلق افعال در کلام ماتریدیه و» از مهدی فرمانیان، نیما سماکوش که در این مقاله به دیدگاه اشاعره و امامیه اشاره‌ای نشده است؛ اما تحقیق حاضر، درصدد است، دیدگاه دو طیف از فرقه اهل سنت یعنی (ماتریدیه و اشاعره) به نمایندگی از دو نظریه (جبر و کسب) را به‌گونه‌ای تفصیلی از منظر علامه حلی (ره) به‌عنوان نماینده و متکلم نامدار امامی، موردنقد و پاسخ قرار دهد. شایان‌ذکر است که دیدگاه علامه، به‌طور کامل با دیدگاه اشاعره متفاوت است ایشان بر این باور است که نظریه کسب، تفاوتی ماهوی با جبر ندارد. او با استناد به براهین عقلی و نقلی، اثبات می‌کند که اگر تنها خداوند خالق افعال باشد و انسان نقشی در آن نداشته باشد، مسئولیت اخلاقی و تکلیف شرعی بی‌معنا خواهد شد. وی در آثار خود تصریح می‌کند که قدرت انسان باید نقش حقیقی در انجام افعال داشته باشد، چراکه بدون این نقش، امرونی الهی، وعده و وعید و حتی مفهوم عدل الهی زیر سؤال می‌رود.

۳. آراء متکلمان اهل سنت

اغلب متکلمان ماتریدی و اشعری در بحث خلق افعال قائل به نظریه «کسب» شده‌اند. علت طرح این نظریه آن است که این دو گروه، از طرفی معتقد شده‌اند که افعال انسان فقط به قدرت خداوند تحقق می‌یابد و قدرت و اختیار انسان در تحقق افعال او هیچ‌گونه تأثیر و دخالتی ندارد و از طرف دیگر، چون لازمه چنین اعتقادی جبر محض می‌شود درحالی‌که این دو گروه نظریه جبر محض را مردود می‌دانند و اصل اراده و اختیار انسان را می‌پذیرند برای اینکه دچار تناقض و تضاد در مسئله نشوند، نظریه «کسب» را به‌عنوان علاج کار خود مطرح کردند. (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۶).

۳.۱. دیدگاه متکلمان ماتریدیه

ملا علی قاری در شرح کتاب فقه الاکبر (ابوحنیفه) مطلبی را از مبدع فرقه ماتریدیه ابومنصور محمد بن ماتریدی^۱

۱. ماتریدی، منسوب به ماترید؛ یکی از محله‌های شهر سمرقند است. (سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۲).

(۳۳۳-۲۳۸ ه.ق) در بحث خلق افعال آورده است. دیدگاه ابومنصور در مسائل متعددی با فرقه اشاعره اختلاف دارد.

الف) وی عبد را در انجام دو تضاد یعنی طاعت و معصیت مختار می‌داند.

ب) معتقد است هر کس از طریق ضمیر درونی اش می‌فهمد که آنچه انجام می‌دهد خودش انتخاب می‌کند.

ج) از نگاه ایشان؛ میان ایجاد فعل و کسب فعل تفاوت است؛ و یک فعل می‌تواند از دو قدرت ایجاد شود. بر اساس این دیدگاه خداوند خالق افعال ما بوده و انسان آن را کسب می‌کند؛ و در تفاوت میان خلق و کسب این گونه گفته‌اند که مراد از خلق؛ اینکه فاعل به صورت مستقل، فعلی را ایجاد کند؛ و مراد از کسب: فاعل استقلال از خود ندارد و به کمک دیگری نیاز دارد. برخلاف دیدگاه اشاعره در باب کسب که تصویر چندان روشنی از رابطه میان قدرت انسان و قدرت خداوند به دست نمی‌دهد). از دیدگاه ماتریدیان در این مورد تا حدی قابل فهم است. برخی از آنان در تفاوت میان خلق و کسب گفته‌اند که خلق در جایی است که فاعل مستقلاً و بدون اتکا به نیروی غیر، فعلی را انجام دهد و کسب در جایی است که فاعل استقلالی از خود ندارد بلکه به نیروی غیر متکی است، در محل واحد جمع شوند اشکالی ایجاد نمی‌کند. در این صورت هم توحید در خالقیت حفظ می‌شود و هم آزادی و اختیار انسان زیر سؤال نمی‌رود. (ماتریدی، بی‌تا، ص ۱۷).

از دیدگاه ماتریدیه انسان فاعل و کاسب است به این معنا که او در اراده کردن و انجام دادن فعل تأثیر دارد و این قدرت و استطاعت را از خدا گرفته است و خدا بدین وسیله خالق اعمال اوست. ماتریدی قدرت را نعمتی می‌داند که خدا انسان را به وسیله آن گرمی داشته است. (همان، ص ۱۷-۱۹)؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که دیدگاه ماتریدیه در زمینه افعال انسان و خالقیت رب، با امامیه هماهنگ است و اینکه افعال باری تعالی و انسان در طول یکدیگرند، نه در عرض هم، تا در مسئله توحید در خالقیت در تعارض با افعال آدمی باشد. (فرمانیان، ۱۳۹۱، ص ۵۶۵). حاصل کلام ماتریدیه این است که؛ قدرت حق تعالی با قدرت انسان یک رابطه ظلّی و صاحب ظلّی است یا رابطه مستقل و رابطه غیرمستقل. در نتیجه؛ هم توحید در خالقیت و هم اراده و اختیار انسان حفظ می‌شود (ملاعلی قاری، ۱۴۱۶، ص ۸۹).

۲.۳. دیدگاه متکلمان اشعری

نظریه اشاعره درباره خلق افعال تحت عنوان "کسب" یا "کسب اشعری" شناخته می‌شود. بر اساس این نظریه، خداوند خالق مطلق همه چیز، از جمله افعال انسان است؛ یعنی خداوند افعال انسان را مستقیماً می‌آفریند و هیچ موجودی جز او تأثیری در ایجاد افعال ندارد (فخر رازی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۵) درعین حال، اشاعره بر این باورند که انسان دارای نوعی اختیار نسبی است؛ یعنی انسان افعالی را که خداوند خلق کرده، "کسب" می‌کند. این بدان معناست که انسان، گرچه فاعل حقیقی نیست، اما مسئول افعال خود محسوب می‌شود، زیرا این افعال را بر اساس اراده و اختیار خود انجام می‌دهد (اشعری، ۱۴۲۶، ص ۲۹۰). برخلاف معتزله که قدرت و اختیار انسان را در ایجاد افعال مؤثر می‌دانند، اشاعره تأکید دارند که قدرت انسان هیچ تأثیر واقعی در ایجاد فعل ندارد؛ بلکه فقط در کسب و پذیرش افعال خلق شده توسط خداوند نقش دارد (ابن فورک، ص ۱۱۲). افعال اختیاری انسان مخلوق خداوند است، اما انسان از طریق اراده و نیت خود آن‌ها را کسب می‌کند (ابن تیمیه، ج ۸، ص ۷۵) مسئولیت اخلاقی و دینی انسان محفوظ می‌ماند، اما خلق و ایجاد واقعی افعال تنها از آن خداوند است (جوینی، ۱۳۹۳، ص ۲۵۶).

این نظریه برای حل تعارض میان قدرت مطلق الهی و اختیار انسان ارائه شد، اما همچنان مورد نقدهای مختلفی از سوی متکلمان دیگر، به ویژه معتزله و فلاسفه اسلامی، قرار گرفته است (غزالی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲). تمامی اشاعره در این مسئله با یکدیگر مشترک هستند که باری تعالی آفریننده همه افعال کوچک و بزرگ، قبیح و زیبا است؛ و به طور آشکار بیان می کنند که تمامی مخلوقات بدون واسطه مستند به اراده حضرت حق هستند. ابوالحسن اشعری معتقد است، خداوند یکتاست و خالق جز او وجود ندارد و افعال بندگان همگی مخلوق خدا هستند. همان گونه که حق متعال فرمود: خدا بنده ها و اعمالشان و آنچه را که انجام می دهند، خلق کرد و انسان وابسته به قدرت خداست و آن اعمال خلق می شوند (اشعری، ۱۴۲۶، ص ۴۶).

ایشان در ادامه مبحث خلق افعال و وسعت قدرت انسان، اضافه می کند: «قدرة العبد كما لم تؤثر في وجود الفعل البتة لم تؤثر ايضا في شيء من صفات ذلك الفعل» محدوده قدرت انسان بسیار محدود است و قدرت عبد نه تنها در اصل وجود فعل اثری ندارد بلکه در هیچ یک از صفات فعل نیز تأثیرگذار نیست. به بیان دیگر، اشعری معتقد است، افعال انسان تنها به قدرت الهی، تحقق پیدا می کند و قدرت و اختیار انسان در تحقق افعال او هیچ گونه تأثیری ندارد (همان، ۱۴۲۶، ص ۴۸). وی حقیقت معنای کسب را، حدوث فعل همراه و هم زمان با نیروی حادث می داند؛ بنابراین، کسی که فعل به همراه قدرت در او ایجاد گردد، کسب کننده فعل است (اشعری، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷).

برداشت های حاصل از نظر ابوالحسن اشعری عبارت اند از:

الف) افعال اختیاری انسان فقط به قدرت خداوند واقع می شود.

هدف از طرح این بحث توسط ایشان دفاع از اصل توحید است.

برای اینکه دچار مسئله جبرگرایی نگردند، به نظریه کسب معتقد شده اند.

اشاعره با نفی علیت، همه چیز عالم را اثر مستقیم الهی می دانند.

فعل انسان مخلوق خداست؛ زیرا تنها قدرت قدیم در خلقت مؤثر است و آن قدرت منحصر در خداست؛ بنابراین ابوالحسن اشعری معتقد است، حق تعالی با نیت و قصد انسان هماهنگ است و چون هماهنگ است عین فعل را می آفریند. از این رو، انسان در هیچ مسئله ای مستقیماً نمی تواند دخالت کند؛ و تنها بخشی از مجموع یک فعل حاصل قصد عبد می شود؛ و به دلیل همین نیت، که به انجام عمل ممدوح یا مذموم، مبادرت می کند مستحق پاداش یا عقوبت می گردد. (ثواب و عقاب آن فعل را کسب می کند). دیدگاه مطابقت میان خلق و ایجاد خداوند با اختیار و انتخاب انسان ناشی از سنت و عادت الهی است که به سبب آن هر وقت عمل انسان صورت گیرد این مطابقت و هماهنگی ایجاد می شود. نکته دیگری که در دیدگاه اشعری قابل توجه است اینکه: می گوید: اگر قدرت انسان خلق کننده نباشد کسب کننده خواهد بود؛ زیرا کافر زمانی که ایمان می آورد به دلیل ناتوانایی کلی نیست، بلکه به دلیل به ضد ایمان مشغول شده است و از ایمان جدا شده است؛ بنابراین نظریه کسب نتیجه آن است که انسان اراده خود را به طرف افعال ممدوح متوجه سازد از این رو، زمانی که آدمی اراده فعل ممدوحی را نماید حق تعالی قدرت بر آن فعل را در او ایجاد می کند؛ و انسان استحقاق پاداش را پیدا می کند؛ بنابراین در نگاه اشعری نظریه کسب، جایگزین نظریه خلق است؛ به عبارت دیگر، تعلق قدرت الهی به افعال و اعمال اختیاری عباد، تعلق خلق است و تعلق قدرت انسان به اراده ای که او انجام داده تعلق کسب است (اشعری، ۱۳۸۹، ص ۱۹۸).

عضدالدین ایجی که خود از پیروان مکتب اشعری است در کتاب مواقف می گوید:

افعال اختیاری انسان فقط به قدرت باری تعالی واقع می‌گردند؛ اما معتزله آن را به قدرت و اختیار خود عبد می‌دانند برخی دیگر (همچون امامیه) خلق افعال را هم به وسیله خدا و هم عبد می‌دانند. برخی دیگر از حکما همین‌طور امام الحرمین جوینی معتقدند، خلق فعل عبارت است از؛ قدرتی که حق تعالی در بنده برای انجام فعل ایجاد می‌کند. (ایجی، ۱۳۲۵، ص ۲۰۸). می‌توان گفت هدف و انگیزه دفاع از این نظریه دفاع از اصل توحید در خالقیت است. دیگر عالم اشعری به نام سید شریف جرجانی، که خود از شارحان کتاب مواقف است، در این باره می‌گوید: ما اشاعره بر این باوریم که همه ممکنات از جهت تعداد، قابلیت احصا را ندارند و بدون هیچ واسطه‌ای مستند به خداوند هستند. هم‌چنین اضافه می‌کند، قدرت بندگان اثری در ایجاد فعل ندارد. بلکه خداوند عادتش بر این بوده که در عبد، اختیار و قدرتی به وجود آورد؛ و اگر مانعی نبود، خدا فعل مقدور خویش را هم‌زمان با قدرت و اختیار انسان ایجاد می‌کند. پس عمل عبد از جهت ایجاد معلول و مخلوق و کسب‌شده از جانب عبد است (جرجانی، ۱۴۱۲، ص ۱۲۳).

منظور از کسب عبد، مقارن شدن ایجاد فعل از جانب خدا با قدرت و اراده عبد است. بدون آنکه انسان نقش و تأثیری در ایجاد فعل داشته باشد. به جز اینکه او محل و مکانی برای ایجاد فعل است (همان، ۱۴۱۲، ص ۱۴۶). در نهایت آنان اعتقاد دارند که نه تنها افعال انسان بلکه همه مخلوقات بدون واسطه به خدا استناد دارند (همان، ۱۴۱۲، ص ۲۴۲).

تفتازانی معتقد است، «اصلاً اشاعره از استعمال واژه علت و معلول خودداری و پرهیز می‌کنند و اعتقاد دارند همه موجودات به صورت بدون واسطه از حق، صادر می‌شوند و هیچ رابطه ضروری در صدور مخلوق از خالق وجود ندارد؛ و می‌گوید: همه بر این مطلب اتفاق رأی دارند» (تفتازانی، ۱۳۴۶، ص ۱۳۵). خدا خالق فعل انسان و انسان کسب‌کننده و به دست آورنده آن فعل است. از این رو، مختار بودن انسان معنایی به جز این نمی‌تواند داشته باشد. به این صورت که انسان با قصد خود افعال خود را ایجاد کند و از سوی دیگر حضرت حق، فاعل مستقل همه چیز، حتی افعال و سکنت انسان است. چرا که دو قدرت مستقل برای تحقق یک فعل تعلق نمی‌گیرد. تفتازانی و غزالی ادله نقلی بحث خلق افعال را از قرآن کریم برای اثبات ادعایشان بیان می‌کنند (تفتازانی، ۱۳۴۶، ص ۱۳۶؛ غزالی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۸) (الله خالق کل شیء) (زمر، ۶۲) (و الله خلقکم و ما تعملون) (صافات، ۹۶) لایسئل عما یفعل و هم یسئلون) (انبیاء، ۲۳) (ان لویشاء الله لهدی الناس جمیعاً) (رعد، ۳۱). قاضی باقلانی در این مبحث برای اثبات نظریه خود، نخست به آیه (و الله خلقکم و ما تعملون) (صافات، ۹۶) اشاره می‌نماید و سپس به روایتی از رسول خدا اشاره می‌نماید: «ان الله صانع کل صانع و صنعته» (باقلانی، ۱۴۰۱، ص ۴۳). به این معنا که این باور و اعتقاد را داریم که عبد چیزی از افعال و اعمالش را به وجود نمی‌آورد، بلکه آن را "کسب" می‌کند؛ بنابراین خداوند با مشیت و علم و تقدیرش، افعال بندگان را خلق می‌کند؛ و در این مسئله خلق، میان خیر و شر، نفع و ضرر، ایمان و کفر، پیروزی و خسران و زیان، پیشرفت یا پست رفت، تفاوتی وجود ندارد. تمامی ممکناتی که از نعمت عقل برخوردارند هر آنچه دارا هستند از اعمال و اجسام همه و همه به واسطه صفت فعل صانع حکیم آفریده شده‌اند (باقلانی، ۱۹۹۳، ص ۳۴۱). هم چنانکه ابوحنیفه در کتاب وصیت به این مطلب اذعان دارد که اعمال و اقرار و معرفت بندگان مخلوق است؛ زیرا زمانی که خود انسان مخلوق است، به طریق اولی افعال او نیز مخلوق است. باقلانی اضافه می‌کند: «قدرة العبد و ان لم تؤثر فی وجود ذلک الفعل الا انها أثرت فی صفة من صفات ذلک الفعل و ترک الصفة هی المثل بالكسب» به تعبیر دیگر: خداوند تمامی افعال بندگان اعم از حرکت و سکون را به وجود می‌آورد؛ و بنده تنها آن را کسب می‌کند؛ بنابراین؛ باقلانی به گمان خودش در صدد این بوده است که اندکی

دایره قدرت انسان را وسیع تر نماید به همین سبب میان اصل وجود فعل و صفات آن تفاوت قائل شده است. به بیان دیگر: در اصل وجود فعل قدرت بنده هیچ تأثیری ندارد و اصل وجود فعل تنها واسطه قدرت خداوند صورت می گیرد؛ اما در صفات فعل مثلاً هنگامی که فعل عنوان طاعت یا گناه پیدا می کند، عبد می تواند تأثیر داشته باشد (همان، ۱۹۹۳، ص ۳۴۳).

الف) افعال و حرکات که تکوینی است.

ب) قدرتی می خواهد که این حرکات و افعال تکوینی که توسط خداوند به طور مستقیم و بی واسطه ایجاد می شود. این حرکات و سکنات روی هم رفته عنوانی دارد به نام نماز. بنده و عبد این عناوین را به دست می آورد؛ و اگر ثواب و عقابی هم به عبد تعلق می گیرد به جهت این عنوان ها است.

اما فخر رازی آرای متفاوتی از سایرین دارد. ایشان دیدگاه دانشمندان مسلمان را به چند وجه تقسیم می کند. این دیدگاه که می توان ادعا کرد دیدگاه همه اشاعره است این است که قدرت بنده در پیدایش فعل تأثیری ندارد و تنها قدرت خداوند عامل پیدایش افعال بندگان است. هر چند اشاعره در عدم تأثیر از غیر خدا (فقط خدا مؤثر است) با یکدیگر هم عقیده اند اما اختلافات نیز با یکدیگر دارند (فخر رازی، ۱۴۱۴، ص ۳۲). از جمله اختلافات در میان اشاعره این است که فخر رازی اشعری؛ نظریه کسب را که جامع بین قدر و جبر هست را قبول نمی کند. سپس استدلالاتی برای آنکه خدا خالق افعال بندگان است بیان می کند.

۴. مستندات روایی در ردّ نظریه کسب از منابع فریقین

در اینجا به مستندات روایی و حدیثی متخذ از کتب اهل سنت و شیعه اشاره می کنم که نشان می دهد انسان فاعل و خالق افعال و رفتارهای پسندیده یا ناپسند خود است. این روایات به وضوح به مسئولیت انسان در برابر اعمال و رفتارهای خود اشعار دارند.

۴.۱. منابع اهل سنت: روایاتی از رسول خدا صلی الله در منابع و مصادر متقدم از اهل سنت، قریب به یک مضمون در نقد و ردّ دیدگاه کسب، آمده است این روایات نشان می دهد که در کنار تقدیر الهی، انسان ها حق نقش و انتخاب دارند و قادرند اعمال نیک و بد را با اختیار خود انجام دهند. از جمله روایتی که می فرماید: «كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ عَمَلِهِ» «همه شما مسئول کارهای خود هستید و همه شما از اعمال خود پرسیده می شوید.» (مسلم، ۱۳۳۴، حدیث ۱۸۲۹). «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يُرِدْ لِعَبْدِهِ إِلَّا خَيْرًا فَإِنَّ الْإِنْسَانَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ»؛ «خداوند اراده کرده است که برای بنده اش جز خیر نباشد، زیرا انسان هر آنچه بخواهد انجام می دهد و انتخاب می کند.» (ابن ماجه، ۱۴۱۸، حدیث ۴۱۴۷) روایت مشهور دیگری که در مصادر متعدد اهل سنت تکرار شده است؛ «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»؛ «اعمال (انسان) بستگی به نیت های او دارد.» (ترمذی، ۱۳۹۷، حدیث ۲۶۱۲).

۴.۲. منابع شیعی: فارغ از آیات بسیاری که نقش انسان در رفتار، اعمال و افعال خود را نشان می دهد، همچون آیه «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکاثر: ۸) «سپس در آن روز از نعمت ها پرسیده می شوید» روایاتی از منابع امامیه در ردّ نظریه «کسب» وارد شده است. از جمله روایت: «إِنَّ أَعْمَالَكُمْ مَرْدُودَةٌ إِلَيْكُمْ» (نهج: خطبه ۱)؛ «اعمال شما به خودتان بازمی گردد.» روایت دیگری که در این باب وجود دارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَحْمِلُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَا يَجْبِرُهَا عَلَى شَيْءٍ»؛ «خداوند هیچ گاه انسان ها را به چیزی که از توانشان خارج است مجبور نمی کند.» (کافی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۶). روایت دیگر از

کلینی در کتاب ایمان و کفر در همین باره نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَجْبِرُ النَّاسَ عَلَى الشَّرِكِ وَلَا عَلَى كُفْرٍ وَإِنَّمَا يَفْعَلُونَ مَا يَشَاءُونَ»؛ «خداوند مردم را به شرک یا کفر مجبور نمی‌کند، بلکه آنان آنچه بخواهند انجام می‌دهند.» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۱۵) «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِكُلِّ عَبْدٍ ارَادَتَيْنِ: ارَادَةً فِي حَقِّهِ وَ ارَادَةً فِي قُدْرَتِهِ وَ هُمَا فِي مَعَانٍ مُتَفَاوِتَةٍ»، «مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۰، ص ۱۲۲»؛ «خداوند برای هر بنده‌ای دو اراده قرار داده است: یک اراده در حق او و یک اراده در قدرت او، و این دو اراده در معانی مختلف‌اند.» بنابراین، در منابع روایی اهل سنت و شیعه، به‌وضوح اشاره شده است که انسان مسئول اعمال خود است و از اختیار کامل برخوردار است. از این رو، انسان در انجام اعمال خود مختار است و باید در قبال اعمال خود پاسخگو باشد.

۵. دیدگاه علامه حلی (ره)

علامه در نقد دیدگاه اشاعره در باب "نظریه کسب" به چند نکته اشاره می‌کند:

وی تأکید دارد که انسان فاعل حقیقی افعال خود است و افعال اختیاری انسان مخلوق مستقیم خداوند نیست، بلکه خداوند قدرت و اختیار را در انسان قرار داده است تا خود او افعال را انجام دهد. وی نظریه اشاعره را که معتقدند افعال انسان مستقیماً توسط خدا خلق می‌شود و انسان فقط "کسب‌کننده" آن است، مردود می‌داند، زیرا این نظریه مسئولیت اخلاقی را از انسان سلب می‌کند و با عدالت الهی ناسازگار است. او دیدگاه خود را مبتنی بر اصل عدل الهی و اختیار انسان مطرح می‌کند و نظریه "کسب" اشاعره را دارای تناقضات عقلی می‌داند (علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۱۳-۲۱۵).

علامه در کتاب نهج الحق و کشف الصدق به‌صراحت این دیدگاه را بیان کرده و می‌نویسد: قالت و المعتزلة: لا يجوز أن يعاقب الله الناس على فعله و لا يلومهم على صنعه و لا تزرُّ وازرة و زرُّ أخرى. این دیدگاه مبتنی بر آیات قرآن از جمله «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴) است که بیان می‌کند هیچ‌کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد و مسئولیت اعمال هر انسان بر عهده خود اوست (علامه حلی، ۱۴۱۵، ص ۲۴۵). در مقابل، فرقه اشاعره از اهل سنت معتقدند که خداوند خالق افعال بندگان است و بر همین اساس، حتی افعال ناپسند و گناه نیز به اراده خداوند تحقق می‌یابد. آنان معتقدند که خداوند، کفر را در میان بندگان ایجاد می‌کند، سپس آنان را به خاطر کفرشان عذاب می‌نماید. همچنین، سب و شتم خدا و پیامبران را ایجاد می‌کند و درعین حال، بندگان را به سبب ارتکاب این افعال مجازات می‌کند. این دیدگاه، به‌وضوح با عدالت الهی در تعارض است و همان‌طور که علامه حلی اشاره می‌کند، این رویکرد شدیدترین و آشکارترین نوع ظلم محسوب می‌شود (حلی، ۱۴۰۷، ص ۲۴۶). از سوی دیگر، اشاعره برای توجیه دیدگاه خود به آیاتی مانند «فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ» (مدثر، ۴۹) استناد می‌کنند، درحالی‌که این آیه دلالتی بر ایجاد کفر توسط خداوند ندارد، بلکه بیانگر روی گردانی اختیاری برخی افراد از هدایت الهی است. علامه حلی با استناد به اصول عدل الهی، این دیدگاه را رد کرده و تأکید می‌کند که اگر خداوند خود کفر و معصیت را در بندگان ایجاد کند، سپس آنان را به سبب این افعال مجازات نماید، این امر به معنای ظلم خواهد بود و خداوند از چنین ظلمی منزّه است (حلی، ۶۴۸، ص ۲۴۷). علامه حلی در نقد نظریه جبر اشعری، به آیاتی اشاره می‌کند که به‌وضوح دلالت بر اختیار انسان دارند:

۱. «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) این آیه بیان می‌کند که هدایت الهی به انسان عرضه شده، اما او خود می‌تواند مسیر شکرگزاری یا کفر را انتخاب کند.

۲. «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» (نساء: ۱۲۳) این آیه تأکید دارد که انسان در برابر اعمالش جزا می‌بیند که دلالت بر مسئولیت فردی و اختیار دارد.

۳. «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف، ۲۹) در این آیه، انتخاب ایمان یا کفر به خود انسان واگذار شده است. بر همین اساس، علامه حلی نتیجه می‌گیرد که اعتقاد به جبر اشاعره نه تنها مخالف عدالت الهی است، بلکه با آموزه‌های صریح قرآن نیز ناسازگار است (حلی، ص ۲۴۸). مکتب امامیه، که علامه حلی از مهم‌ترین متکلمان آن است، بر اختیار انسان تأکید دارد و معتقد است که خداوند بندگان را تنها بر اساس اعمالی که خودشان با اراده خویش انجام می‌دهند، مجازات یا پاداش می‌دهد. در مقابل، دیدگاه اشاعره که خداوند را خالق تمام افعال انسان‌ها می‌داند، مستلزم نسبت دادن ظلم به خداوند است که با عدل الهی در تضاد است. بر همین اساس، علامه حلی دیدگاه جبرگرایانه اشاعره را نقد کرده و با استناد به آیات قرآنی، اختیار انسان را اثبات می‌کند (حلی، ۱۴۰۹، ص ۲۴۹). او در مسئله "خلق افعال" نظریه‌ای را مطرح کرد که در برابر دیدگاه‌های اشاعره و معتزله جای می‌گیرد. از یک‌سو، اشاعره معتقد بودند که انسان‌ها فقط "کاسب" افعال هستند و خداوند خالق حقیقی آن‌ها است. از سوی دیگر، معتزله بر این باور بودند که انسان خالق افعال خویش است. علامه با تکیه بر مبانی عدلیه امامیه، به نظریه‌ای پرداخت که هم اختیار انسان را تأیید می‌کرد و هم نقش خداوند را در تکوین افعال انسان مورد توجه قرار می‌داد. علامه با تأکید بر اصل عدل الهی، نظریه تفویض مطلق را رد کرد و برخلاف معتزله، بر این باور بود که خداوند نظام علت و معلولی را به گونه‌ای سامان داده است که افعال اختیاری انسان‌ها در چارچوب اراده الهی شکل می‌گیرد. او همچنین دیدگاه اشاعره درباره جبر را رد کرده و آن را مخالف عدالت الهی دانست. یکی از جنبه‌های مهم دیدگاه او، تأثیرش بر مکتب حله و متکلمان بعدی امامیه است فرقه امامیه و معتزله معتقدند: حق تعالی بندگان را به سبب فعل خود عقاب و سرزنش نمی‌کند؛ اما فرقه اشاعره از اهل سنت قائلند: خداوند سبحان عبد را به سبب فعلش عقاب نمی‌کند، اما خودش در میان بنده‌ها کفر به وجود می‌آورد و به همین دلیل آنان را عذاب می‌کند، سب و شتم خدا و پیامبران را اجرا می‌کند و روی گردانی از طاعات و غفلت از یاد خدا و قیامت را به وجود می‌آورد، سپس می‌گوید: «فما لهم عن التذکره معرضین» (مدثر، ۴۹) این شدیدترین و رساترین نوع ظلم است، خداوند متعال از این نسبت‌ها منزّه است. آنچه اشاعره در قالب ادله عقلی بیان کرده‌اند، جز مجبور بودن انسان نتیجه دیگری در بر نخواهد داشت. از این‌رو، ما با توجه به قدرت عقلی، کلام آنان را با ارائه چند دلیل نقد می‌کنیم.

الف. چه ظلمی و ستمی بزرگ‌تر از این که خداوند چیزی در میان بنده‌های خود ایجاد کند و سپس آن‌ها به سبب آن عقاب و عذاب کند، عده‌ای را سیاه‌پوست بیافریند و سپس به دلیل سیاهی عذاب نماید، آنان را بلندقد بیافریند و به سبب بلندقدی عقاب کند، آنان را کوتاه‌قد بیافریند و آنان عذاب نماید. به آنان قدرت پرواز در آسمان را ندهد اما توقع داشته باشد که در آسمان پرواز نمایند. پس شایسته است عاقل منصف اطاعت از هوای نفس را رها کند و با توجه ببیند که آیا جایز است که چنین افعالی را به خدای عزوجل نسبت داد درحالی که اگر به یکی از ما گفته شود: بنده‌ات را زندانی می‌کنی و سپس او را به دلیل اینکه به دنبال رفع نیازهایت نرفته عذاب کن، به مقابله برمی‌خیزد و این کار را تکذیب می‌کند و از این عمل دوری می‌جوید، پس چگونه به خداوند چیزی نسبت می‌دهد که خود را از آن تبرئه می‌کند؟ (حلی، ۱۴۱۴، ص ۸۶). ما چون نسبت به حرکت اول خود آگاهی لازم را نداریم از این‌رو نمی‌توانیم در مرحله دوم دقیقاً همان فعل را تکرار کنیم. (نه اینکه مرحله نخست امری محال و یا ناممکن باشد).

ب. امامیه، قائل است، در صورت تعارض بین خواسته‌های خدا و خواسته انسان، خواسته خدا تحقق می‌یابد چون

قدرت خدا متفاوت از قدرت انسان است؛ بنابراین اجتماع نقیضین (عدم تحقق هر دو خواسته) پیش نمی‌آید. به دلیل آن که قدرت الهی عین ذات اوست اما قدرت ممکنات وابسته، محتاج و متکی به قدرت باری تعالی است؛ بنابراین تحقق فعل با در نظر گرفتن دو حیث و جنبه مختلف دو حکم متفاوت و جدا پیدا می‌کند.

۱. تحقق فعل اگر در قیاس با قدرت انسان باشد؛ وجود فعل امری ممکن است.

۲. تحقق فعل اگر با قدرت انگیزه انسان برای اتیان آن در نظر بگیریم، در این صورت؛ امری واجب است؛ و «جبری هم پیش نمی‌آید»؛ بنابراین فرض فاعلیت انسان، مفسده‌ای را به دنبال ندارد؛ زیرا هر فعل فاعل مختاری اگر با قدرت و اراده و انگیزه آن فعل در نظر بگیریم، در این صورت تحقق فعل، واجب می‌گردد. (حتی نسبت به باری تعالی).

۶. نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در مبحث (نظریه کسب) گذشت، روشن شد که؛

۱. اشاعره؛ به‌ویژه ابوالحسن اشعری، قدرت خداوند را یگانه عامل در آفرینش افعال می‌دانند و در نتیجه، مشارکت قدرت عبد را در افعال خویش نمی‌پذیرد. این دیدگاه باعث شد که برخی همچون فخر رازی به جبر مطلق، گرایش یابند، در حالی که گروهی دیگر مانند ابوالحسن اشعری، باقلانی، غزالی، ایجی، تفتازانی و فضل بن روزبهان برای گریز از اتهام جبری‌گرایی، نظریه «کسب» را مطرح کردند.

۲. در این نظریه، اعمال انسان هم به خدا منسوب است و هم به خود انسان، اما با این توضیح که خداوند خالق افعال است و انسان تنها «کاسب» آن‌هاست. با این حال، این دیدگاه نیز اشکالاتی دارد و تفاوت بنیادینی با جبرگرایی ندارد، چراکه در نهایت، انسان هیچ تأثیر واقعی در خلق افعال خود ندارد؛ اما علامه حلی نقدهای جدی بر نظریه «خلق افعال و نظریه کسب» از دیدگاه اشاعره وارد کرده است.

۳. علامه حلی به شدت با دیدگاه اشاعره مخالفت کرده و بر این باور است که نظریه کسب، تفاوتی ماهوی با جبر ندارد. او با استناد به براهین عقلی و نقلی، اثبات می‌کند که اگر تنها خداوند خالق افعال باشد و انسان نقشی در آن نداشته باشد، مسئولیت اخلاقی و تکلیف شرعی بی‌معنا خواهد شد. وی در آثار کلامی خود تصریح می‌کند که قدرت انسان باید نقش حقیقی در انجام افعال داشته باشد، چراکه بدون این نقش، امرونی الهی، وعده و وعید و حتی مفهوم عدالت الهی زیر سؤال می‌رود.

۴؛ بنابراین، دیدگاه ماتریدیه که انتساب حقیقی فعل و افعال را به دو فاعل منتسب می‌داند و تا حدودی اختیار انسان را می‌پذیرد، به عقیده امامیه نزدیک‌تر از دیدگاه اشاعره است. با این توصیف، نظریه کسب، نه تنها پاسخی مناسب به مسئله جبر و اختیار ارائه نمی‌دهد، بلکه خود اشکالات عقلی و شرعی متعددی دارد.

۵؛ بنابراین دیدگاه امامیه که بر اختیار واقعی انسان تأکید دارد، هم با اصول عقلانی و هم با متون حدیثی سازگارتر است. در نهایت، مشخص شد که نظریه خلق افعال در مکتب امامیه، برخلاف اشاعره، بر پایه ترکیبی از قدرت الهی و اختیار حقیقی انسان است که این دیدگاه هم عدالت الهی را تأمین می‌کند و هم مسئولیت انسان را توجیه‌پذیر می‌سازد.

۷. منابع

-قرآن کریم

-نهج البلاغه

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، *مجموع الفتاوی*، چاپ اول، قاهره: دارالوفا، ۱۴۲۶ ق.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، *منهاج السنة النبویة*، دانشگاه امام محمد بن سعود اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۳. ابن فورک، اسحاق بن ابراهیم، *مشکل الحديث*، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۴. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، *دارالجلیل*، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۵. اجلی، محمد بن عبدالله، *البرهان فی نقد الآراء المعتبرة*، قم: مرکز الحقائق الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
۶. اشعری، ابوالحسن، *الابانة فی اصول الديانة*، بیروت: دارالکتب، ۱۴۲۶ ق.
۷. اشعری، ابوالحسن، *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، چاپ دوم، قاهره: مکتبة النهضة العربیة، ۱۳۸۹ ق.
۸. بدوی، عبدالرحمن، *تاریخ اندیشه های کلامی در اسلام*، ترجمه: حسین صابری، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵ ش.
۹. باقلانی، محمد بن طیب، *تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل*، بیروت: مؤسسه کتب الثقافیه، الطبعة الثالثة، ۱۹۹۳ م.
۱۰. بخاری، محمد بن عیسی، *صحیح بخاری*، ج ۳، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۱. تفتازانی، مسعود بن عمر، *شرح عقاید النسفیة*، بی جا: مطبعة مولوی محمد عارف، ۱۳۴۶ ش.
۱۲. تفتازانی، مسعود بن عمر، *شرح مقاصد*، تحقیق: عبدالرحمن عمیره، ج ۵، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۰ ش.
۱۳. تستری مرعشی، قاضی نورالله، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم: چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، *الجامع الصحیح*، نشر حسینی اصل، ۱۳۹۷.
۱۵. جرجانی، میرسید شریف، *شرح مواقف*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. جوینی، عبدالملک بن عبدالله، *الإرشاد إلى قواطع الأدلة فی أصول الاعتقاد*، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۷. جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، *فرائد السمطین*، تصحیح: محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۳ ق.
۱۸. حلی، حسن بن یوسف، *النافع يوم الحشر*، بیروت: دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. _____، *الفین*، ترجمه: علی وجدانی، قم: چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. _____، *انوار الملکوت فی شرح الیاقوت*، بیروت: دارالاسوة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۲۱. _____، *کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین*، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: دارالعلم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۲۲. _____، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تعلیق: سید ابراهیم موسوی زنجان، قم: انتشارات شکوری، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. _____، *مناهج الیقین فی اصول الدین*، تحقیق: یعقوب جعفری مراغی، تهران: دارالاسوه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. _____، *منهاج الکرامه*، تصحیح: محمدحسین رحیمیان، قم: مؤسسه پژوهشی روضه العباس، ۱۳۹۲ ش.
۲۵. _____، *باب حادی عشر*، شارح: مقداد بن عبدالله فاضل مقداد، ترجمه: علی اصغر حلبی، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.

۲۶. ——— نهج الحق و كشف الصدق، ترجمه: علیرضا کهنسال، تعلیق: عین الله حسنی ارموی، قم: دارالهجره، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. خادمی، عین الله، «خلق افعال از دیدگاه متکلمان»، فصلنامه تخصصی کلام/اسلامی، شماره ۴۶، ۱۳۸۲ ش.
۲۸. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، دارالجنان، ۱۴۰۸.
۲۹. دست افکن، مهدی، «بررسی تطبیقی جبر و تفویض از دیدگاه اشاعره و امامیه»، پژوهش های فلسفه و کلام، سال ۹، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۸.
۳۰. ربانی گلیپایگانی، علی، کلام تطبیقی، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۳.
۳۱. زارع، علی اکبر، «نقد مبانی جبرگرایی اشاعره از منظر عقل گرایی امامیه»، معارف عقلی نوین، شماره ۷، بهار ۱۳۹۷.
۳۲. زیبایی نژاد، مسعود، تحلیل تطبیقی مسئله اختیار در کلام/اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴ ش.
- طوسی، محمد بن محمد، تلخیص المحصل (نقد المحصل)، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
- غزالی، محمد بن محمد، تهافت الفلاسفه، نشر درالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
- غزالی، محمد بن محمد، قواعد العقائد، ناشر: جامی، ۱۳۸۴ ش.
- فخر رازی، محمد بن عمر، القضاء و القدر، تصحیح: محمد معتصم بغدادی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۱۴ ق.
- فخر رازی، محمد بن عمر، «مسئله جبر و اختیار»، معارف عقلی، شماره ۲.
- فرمانیان، مهدی، در فرق تسنن، نشر ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۹۱.
- قاری، ملا علی، شرح الفقه الاکبر، تحقیق: م. الشعار، بیروت: دار النفائس، ۱۴۱۶ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت، دارالاسلامیه، ۱۴۰۱.
- ماتریدی، ابومنصور، التوحید، مصر، اسکندریه، دارالجامعات، بی تا.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی، ۱۴۰۳.
- مسلم، اسماعیل بن احمد، صحیح، ناشر دارالطباعه، ۱۳۳۴.
- مظفر، محمد حسن، دلائل الصدق، ترجمه: محمد سپهری، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
- مظفر، محمدرضا، عقاید الامامیه، تحقیق: داوود حنفی، بی جا، بی تا.
- نسفی، میمون بن محمد، تبصره الادله فی اصول الدین، ج ۲، قاهره: دار الفتاوی، بی تا.
- یونسی، آریا و قاسمی، اعظم، «مسئله اختیار از منظر فخر رازی»، پژوهشگاه علوم انسانی، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۹ ش.